

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

حزب کار ایران- توفان

۱۳ سپتمبر ۲۰۱۲

سندی در تجزیه طلبی ناسیونال شونیستهای گرد

و دشمنی با مردم ایران

"هر کس پیرو نقطه نظر دموکراسی یعنی حل مسائل کشور به دست توده مردم است، به خوبی می داند بین یاوه سرانی سیاست بازان تا تصمیم توده ها "فاصله عظیمی وجود دارد"، توده های اهالی به بهترین نحوی از روی تجربه روزمره خود به اهمیت روابط جغرافیایی و اقتصادی و رجحان، بازار بزرگ و کشور بزرگ واقف اند و فقط تصمیم به جدا شدن می گیرند که ستمگری ملی و اصطکاکهای ملی زندگی مشترک را کاملاً غیر قابل تحمل نماید و به کلیه مناسبات گوناگون اقتصادی پابند بزند. در چنین موردی تکامل سرمایه داری و آزادی مبارزه طبقاتی به سود جدا شوندهگان تمام می شود"

ولادیمیر ایلیچ لنین

اخیراً توافقنامه ای میان "حزب دمکرات کردستان ایران" و "حزب کومله کردستان ایران" به امضاء رسیده است که از نظر محتوا چیز جدیدی نیست. این توافقنامه سندی تجزیه طلبانه و ضد ایرانی در خدمت تجزیه ایران و ایجاد کردستان بزرگ در منطقه خاور میانه به عنوان اسرائیل دوم است. این دو حزب در اساس خود بر روی همدستی با امپریالیستها و صهیونیسم جهانی برای نابودی ایران، حساب جدیدی باز کرده اند. نه سخنان آقای عبدالله مهدی جدید است و نه سخنان آقای مصطفی هجری.

آقای عبدالله مهدی صرفنظر از این که مطالب فراوانی در مورد وابستگی ایشان به کمکهای مالی امپریالیستها منتشر شده، زمانی که تحت نام کومله با گروه اتحاد مبارزان کمونیست (گروه سه‌نصد منصور حکمت- توفان) اتحاد کرده بود و "حزب کمونیست ایران" را ایجاد کرد، خواهان ایجاد اسرائیل جدیدی در کردستان بود و عدم پیگیری این سیاست را در یکی از سخنرانی های خویش یکی از اشتباهات مبارزاتی تشکیلات آنروزی خود بیان کرد. وی موفق شده بود در همکاری با دارو دسته منصور حکمت برای کومله در "حزب به اصطلاح طبقه کارگر" حقوق

ویژه به دست آورد، تا ناسیونال شونیسم گردد را تبلیغ کند. به سخنان آنروز ایشان که توسط "توفان" در گذشته منتشر شده و به زودی تجدید چاپ می شود توجه کنید. ایشان در آن روز که خود را کمونیست جا می زد و خواهان استقرار سوسیالیسم در کردستان ایران بود، چنین اظهار فضل کرده است: آیا "ما نمی توانیم از کشور سوسیالیستی خود در حد توان خود دفاع کنیم؟ چرا نمی توانیم، ما به راحتی می توانیم سربازگیری بکنیم، عضو سازمان ملل بشویم، اسلحه بخریم، مالیات بگیریم، اسلحه تأمین کند، وام بگیریم، سرمایه گذاری کند... به منابع طبیعی دست پیدا کند و استخراج کند و بفروشد، چرا نمی شود، مگر اسرائیل چقدر جمعیت دارد، مگر کویت چقدر جمعیت دارد، مگر می شود به سادگی حمله کرد و کویت را گرفت(حضرت آقا دیدیم که شد-توفان). فرض کنیم برای خود آمریکا، چونکه فقط قشون قضیه را تعیین نمی کند. اینکه یک ملت خودش را به صورتی متعین کرده باشد و باور کرده باشد که ملتها و کشورهای دیگر وی را به رسمیت شناخته باشند، خودش سنگرهای مشخصی است. در سازمان ملل هوار می کنیم که سربازان ایتالیائی و سوئدی بیایند دم جاده بایستند و مانع حمله شوند. ما باید به سوی یک حاکمیت مشخص پیش برویم. ما باید کشور مقابل کشور به وجود می آوریم و به همه اعلام می کردیم که جنگ است. حالا ما می فهمیم که چه خطی در عرض این چهار سال کرده ایم."

آقای عبدالله مهدی با یاری دارو دسته های منصور حکمتی که با این تحلیها موافق بودند و در زیرش امضاء گذارده اند، می خواهد، خبط گذشته خود را بر طرف کند و می خواهد با کمک سربازان سوئدی و ایتالیائی(طرف ترسیده از اسرائیل و آمریکا که بدنام ترند نام ببرد. خواسته از امپریالیستهای "ملایم" مساعدت بطلبد-توفان) کشور به وجود آورد و در سازمان ملل متحد هوار بکشد. آقای عبدالله مهدی آرزوهایش را متحقق می کند.

سخنان امروز ایشان ادامه همان سیاست نزدیکی به اسرائیل آقای عبدالله مهدی و منصور حکمت و ایجاد کشوری جدا از ایران با عنوان دروغین "سوسیالیسم" بود که تا به امروز نیز ادامه دارد. در اینجا وظایف تقسیم شده است. عبدالله مهدی وظیفه جدائی و "حزب کمونیست کارگری" و همه دارو دسته های پیرو نظریات منصور حکمت، وظیفه همدستی و همکاری با امپریالیسم و صهیونیسم برای تجاوز به ایران را به عهده گرفته اند.

اما آقای مصطفی هجری با الهام از وضع کردستان عراق، از امپریالیست آمریکا در خواست کرد به ایران به تجاوز نظامی بپردازد و همان بلائی را به سر مردم ایران بیاورد که بر سر مردم عراق آورد. آقای مصطفی هجری را چه باک که میلیونها ایرانی کشته می شدند و ایران ویرانه می شد. مهم این بود که با همدستی با امپریالیسم مانع می شد که آن بخشهایی از خاک ایران که وی مدعی تملک آن است، از این جنایت مصون می ماند. این همکاری ها با عمال بیگانه و دشمنان مردم ایران و خلق کرد در میان این سازمانها ریشه تاریخی طولانی دارد. بعد از ترور قاسملو و شرافکندی که توسط رژیم جمهوری اسلامی صورت گرفت، شتاب این روند شونیستی در درون این تشکیلاتها تشدید شد.

روح این بیانیه، جدائی طلبی آشکار از ایران است. در این بیانیه همواره سخن از سرنوشت کردستان ایران و نه کشور ایران در میان است. تدوین کنندگان این سند با دقت کوشیده اند که سرنوشت خلق کرد را از سرنوشت خلقهای ایران به روشنی جدا کنند. در تمام سند برای خلق کرد حساب جداگانه ای باز کرده اند. آنها حتی تا جائی پیش می روند که از اپوزیسیون ایران به عنوان "اپوزیسیون ایرانی" صحبت می کنند، تا مبدا اپوزیسیون کرد نیز مشمول این انتساب قرار گیرد و القاء شبهه شود، که گردها نیز بخشی از اپوزیسیون ایران هستند و نه تافته جدا بافته برای مبارزه به ضد رژیم جمهوری اسلامی و به ضد اپوزیسیون ایران. برای آنها ایران یک طرف و کردستان طرف دیگر است. برای آنها یک اپوزیسیون ایرانی غیر کردی وجود دارد و یک اپوزیسیون جدائی طلب کردی که نباید

آنها را با هم مخلوط کرد، زیرا که اپوزیسیون ایرانی همان اهدافی را که اپوزیسیون کردی طلب می کند، خواستار نیست. اپوزیسیون ایرانی "دشمن آتی" اپوزیسیون کردی است. اپوزیسیون ایرانی باید با آنها همکاری کند تا آنها کردستان ایران را از ایران جدا کرده و به سپس به کردستان عراق بپیوندد، تا کردستان بزرگ با حمایت امپریالیستها و صهیونیستها ایجاد شود. بعد از این "پیروزی" آنها به ریش "اپوزیسیون ایرانی" می خندند و برای تجاوز آشکار به ایران در ارتش اسرائیل و امریکا نام نویسی می کنند. کردستان اسرائیلی پروراندن مار در آستین است.

در همان آغاز بیانیه آنها از "جنبش رهایی بخش ملت کرد در کردستان ایران" سخن می گویند. این به آن مفهوم است که ملت کرد از جانب سایر ملت‌های ایران از جمله فارس و ترک که در حکومت شرکت دارند مورد استعمار قرار داشته و مبارزه کرده‌ها نه برای رفع ستم ملی که اساساً در قالب فرهنگی است، بلکه به ضد استعمارگران و اشغالگران ایرانی صورت می گیرد. این روحیه ناسیونال شونیستی در همان بدو انقلاب با شعار "ارتش اشغالگر باید خاک کردستان" را ترک کند، امکان رشد یافت که متأسفانه از جاب سازمان‌هایی که خود را چپ جا می زند، بدون انتقاد پذیرفته شده بود. اگر در بدو انقلاب مبارزه مردم کردستان ادامه انقلاب ایران و برای آزادی همه ایران تبلیغ می شد، به تدریج این مبارزه، به مبارزه برای اخراج ارتش اشغالگر خلاصه شد، که نتایج آن را امروز ما در مقابل خود داریم. اگر در بدو انقلاب به خاطر آزادی ایران، همبستگی بزرگی با مردم کردستان به وجود آمده بود، با طرح شعارهای تجزیه طلبانه به این همبستگی صدمه خورد و جنبش کردستان با جدائی از مجموعه جنبش مردم ایران، راه انزوا را در پیش گرفت. جریان‌های اسرائیلی منصور حکمتی نیز به این روحیه میدان دادند و یاری رساندند. مبارزه "آزادی‌بخشی" که آنها از آن سخن می گویند، مبارزه برای آزادی ایران نیست، برای جدائی کردستان به ضد مصالح ایران است. وقتی دشمن خلق کرد، مردم ایران محسوب شوند، طبیعتاً متحدان این دارو دسته، همه آن کسانی خواهند بود که دشمن ایرانند. ترکیب طیف این دشمنی را عربستان سعودی، قطر، اسرائیل و امریکا تا همه متحدین داخلی غیر کرد که خواهان تجاوز نظامی امریکا به ایران و تحریم اقتصادی ایران اند، پر می کنند. به همین جهت است که روی سخن آنها با امپریالیستهاست وقتی که می گویند: "شناساندن مشکلات و مطالبات ملت کرد در کردستان ایران به جامعه بین‌المللی و کسب حمایت سیاسی برای جنبش رهایی بخش ملت کرد، به عنوان مثال، سازماندهی اقدامات دیپلماتیک مشترک در سطح جهانی و دیدار از مراکز بین‌المللی در راستای این هدف".

حرف آنها روشن است می خواهند با "فدرالیسم ملی- جغرافیائی" که آن "را به عنوان شعار اصلی و برنامه سیاسی خود برای حل مسئله ستم ملی در کردستان برگزیده و خود را پرچمدار این شعار دانسته و برای تثبیت و تحقق آن به اشتراک مساعی می‌پردازند." به ایجاد پایگاهی در مرز غربی ایران دست زنند که از جامعه بین‌المللی نظیر "اپوزیسیون لیبیا" و "ارتش آزاد سوریه" بخواهند که در دفاع از "حقوق قومیتها" و "حقوق بشر آنها" و نه "حقوق بشر" ایرانی‌ها، به حمایت سیاسی، و در صورت کاری نبودن، آنها به سیاست نظامی توسط سربازان سوئدی و ایتالیائی و شاید هم یک کمی از فنلاندی و لوکزامبورگی متوسل شوند. آنها گره همسرنوشتی ملت‌های ساکن ایران را پاره می کنند تا برای کردها حساب جداگانه ای باز کنند. در چرتکه سیاسی کاسبکارانه آنها وضعیت کنونی دنیا و تجاوز به استقلال و حق حاکمیت ملی کشورها مورد بررسی قرار گرفته و در تعیین خط مشی شان به حساب آمده است. آنها که مدعی اند خواهان حق تعیین سرنوشت خلقها به دست خود هستند، نه تجاوز به بحرین توسط عربستان سعودی و نه اشغال سرزمینهای فلسطین را توسط اسرائیل محکوم نمی کنند. آنها هوادار تجاوز به عراق و

افغانستان هستند و حق تعیین سرنوشت سایر خلقها برایشان حرف مفت است. آنها از دخالت در امور داخلی سوریه و لیبیا با تمام قوا حمایت می کنند. به همین جهت می نویسند: "برای مبارزه ملت کرد در عصر حاضر و در این وضعیت، هم تغییرات گوناگون جهانی و هم تحولات اخیر خاورمیانه، همچنین توازن ابرقدرت‌ها و معادلات نوین این عرصه، بیش از همیشه زمینه را جهت طرح خواسته‌های ملی مردم کرد و تأکید بیشتر بر حقوق خویش در سطح جهانی را مهیا ساخته است. موج تغییر و دموکراسی‌خواهی فراگیر در منطقه خاورمیانه، پرتوانتر از هر زمان دیگری پایه‌های دیکتاتوری‌ها را به سوی فروپاشی سوق داده است. دیر یا زود دیکتاتوری جمهوری اسلامی ایران نیز، با تداوم مبارزه توده‌های مردم و اراده راسخ مبارزان راه آزادی، غیر از گسترش بحران همه‌جانبه اقتصادی و سیاسی و رفتن به سوی سرنوشتی کامل، افق دیگری پیش‌رو ندارد". آنها بو کشیده اند که امپریالیستها در پی اپوزیسیون سازی و برقراری کارزارهای تبلیغاتی به یاری دارو دسته های تجزیه طلبان، مجاهدین خلق، سلطنت طلبان و دارو دسته های پیروان منصور حکمت هستند. آنها تلاش می کنند که دیر بر سر قرار حاضر نشوند تا سرشان بی کلاه بماند. به مصداق تا تنور داغ است باید نان را پخت به صدور بیانیه متوسل شده اند تا از سایرین که کارزار راه انداخته و جلسات بحث و وحدت می گذارند، عقب نمانند.

آنها حتی در مورد سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی هم صمیمیت ندارند، زیرا این امر همه دانسته است که سرنوشتی این رژیم در سرنوشت همه مردم ایران مؤثر است و راه آزادی و دموکراسی را در ایران می گشاید. تنها کسانی می توانند خواهان چنین سقوطی باشند که سرنوشت خویش را به سرنوشت همه مردم ایران گره زده باشند. برای کردهای ناسیونال شونیست که این بیانیه ارتجاعی را تدوین کرده اند روشن است که حاضرانند با گرفتن کوچکترین امتیازی از جانب رژیم جمهوری اسلامی به "نفع خلق کرد" برای بیرون کشیدن گلیم خود از آب، به سایر خلقهای ایران خیانت کنند. آنچه را که آنها به نام سرنوشتی رژیم طرح می کنند، امری نیست که به آنها مربوط باشد. اسلحه ای برای فشار به رژیم جمهوری اسلامی است تا به مصالحه با آنها دست زند. اگر فرضاً چنین سازشی صورت گیرد آنها خنجر خویش را به پشت مبارزه عمومی مردم ایران برای تحقق آزادی و دموکراسی فرو می کنند.

بیانیه ناسیونال شونیستهای کرد بیانیه آزادی ملی نیست، به ایران و مردم ایران هم مربوط نیست، بیانیه خیانت ملی است و خلق کرد زیر بار این خیانت نمی رود. آزادی ملت کرد در گروی آزادی ایران است و در یک ایران آزاد و دموکراتیک است که می شود به رفع ستم ملی به صورت ریشه ای اقدام کرد و وحدت دموکراتیک مردمان ایران را تحکیم بخشید. برای نیل به این هدف، باید برای سرنوشتی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی متحد شد و با مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم در جهت پاکیزگی مبارزه انقلابی مردم ایران کوشید. پیوند مبارزه ملی و دموکراتیک، پیوند مبارزه دموکراتیک با مبارزه ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی تضمین لازم برای آزادی ایران و نوع حکومتی است که بعد از آن در ایران بر سر کار خواهد آمد. کمونیستها باید روشن کنند که حل مسأله ملی در دوران امپریالیسم بخشی از مبارزه ضد امپریالیستی است، در غیر این صورت این "استقلال" توطئه ای برای سرکوب مبارزات همه خلقهای منطقه خواهد بود و مار را نمی شود در آستین پروراند. کمونیستها هوادار وحدت و همبستگی طبقه کارگر همه ملل ساکن ایرانند و در مقابل تبلیغات تجزیه طلبانه، همبستگی طبقاتی طبقه کارگر را تبلیغ می کنند. این عده نماینده خلق کرد نیستند، مدعی نمایندگی این خلق هستند و به این جهت نیروهای انقلابی ایران نباید به زیر ادعاهای کاذب آنها امضاء بگذارند. حزب ما بارها نظریات خویش را در مورد حل مسأله ملی بیان کرده است. ما به امر مسأله ملی از دیدگاه منافع مبارزه طبقاتی می نگریم و تنها با استقرار جمهوریهای

سوسیالیستی شورائی در ایران موافقیم. ما برای وحدت و همبستگی طبقه کارگر ملیتها و تمامیت ارضی ایران مبارزه کرده و آن را تبلیغ می کنیم.

اکنون با انتشار این بیانیه حال آن سازمانهای ایرانی خودفروخته ای زار است، که برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی حاضراند با امپریالیستها و صهیونیستها متحد شوند و تحت نام "شرایط مناسب" در پا رکابی آنها به ایران حمله کنند. این خودفروخته ها متحد جدیدی پیدا کرده اند که همان اهداف را دنبال می کند. باید دید چه خاکی بر سرشان می کنند. مبارک است.

حزب کارایران(توفان)

شهریورماه هزار و سیصد و نود و یک خورشیدی

www.toufan.org